

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه متن و درسنامه و حل تمرین درس چهارم عربی دهم رشته تجربی ریاضی

تهیه و تنظیم: ماهرخ گوهررستمی

سرگروه عربی متوسطه دوم منطقه ۱۷ تهران

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيِّ الْإِسَاءَةِ؛

قطعا پیام پیامبر اسلام در گذر زمانها ، بر اساس منطق و دوری از هر بدی استوار بوده است .

فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

و براستی خداوند می فرماید : خوبی و بدی یکسان نمی باشد ؛ تو آن را (بدیهای مردم را) با بهترین روش دفع کن ، پس آنگاه می بینی کسی که بین تو و او دشمنی وجود دارد ، گویی یک دوست گرم و صمیمی است .

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارَ

همانا قرآن به مسلمانان امر می کند که خدایان (خدایان دروغین) مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...

و آن (قرآن) می فرماید : کسانی را که به غیر خدا ، فرا می خوانند (دعوت می کنند) دشنام ندهید ، در نتیجه آنها (کافران به نادانی) خدا را دشنام می دهند .

الإسلام يَحْتَرِمُ الأديانَ الإلهيةَ؛ ﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلاَّ اللهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً ﴾

اسلام اديان الهی را محترم می شمارد ؛ ای پیامبر بگو : ای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیائید از کلمه ای که میان ما و شما یکسان است ، پیروی کنیم فقط خدا را عبادت کنیم (جز خدا نپرستیم) و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم .

يُؤَكِّدُ القرآنُ عَلَى حُرِّيَةِ العقيدة: ﴿ لا إكراهَ في الدينِ ... ﴾

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می کند : ﴿ هیچ اجباری در دین نیست ﴾

لا يَجُوزُ الإصرارُ عَلَى نِقاطِ الخِلافِ و عِلَّ الغُذوانِ، لِأَنَّهُ لا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی باشد ، به خاطر اینکه کسی از آن سودی نمی برد .

و عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايِشاً سَلْمِيّاً، مَعَ احتِفاظِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿ كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ ﴾

بر همه مردم واجب است که هر کدام با حفظ عقاید خود ، با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز کنند ، به خاطر اینکه ﴿ هر گروهی به آنچه نزد خود دارند ، خوشحالند ﴾

البلادُ الإسلاميَّةُ مجموعةٌ مِنَ الشُّعوبِ الكَثيرةِ؛ تَخْتَلِفُ في لُغاتها و أَلوانِها.

کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت های متعدد است که در زبانهای خود و رنگهایشان متفاوت می باشند .

قالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ يا أَيُّها النَّاسُ إنا خَلَقناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثى وَ جَعَلناكُمْ شُعوباً و قَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتقاكُمْ

خداوند بزرگوار فرمود : ﴿ ای مردم ! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها بی قراردادیم تا یکدیگر را بشناسید ، قطعاً گرمی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست ﴾

يا مُرْناً القرآنُ بِالوحدَةِ. ﴿ وَ اعتَصِموا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقوا

قرآن ما را به وحدت و یکپارچگی امری کند (فرمان می دهد). ﴿ و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید ... ﴾

يَتَجَلَّى اتِّحادُ الأُمَّةِ الإسلاميَّةِ في صُورٍ كَثيرةٍ، مِنْها اجْتِماعُ المُسْلِمينَ في مَكانٍ واحِدٍ في الحَجِّ.

یکپارچگی امت اسلامی در شکل های زیادی جلوه گر می شود ، از جمله جمع گشتن مسلمانان در یک محل در حج .

المسلمون خُمسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

یک پنجم ساکنان زمین مسلمانان هستند ، در پهنه گسترده ای از زمین ، از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند .

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صَفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند گفت : هرگاه کسی سخنی بگوید که میان مسلمانان تفرقه و جدایی اندازد، پس بدانید که وی یک نادان است یا دانایی است که برای ایجاد تفرقه در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

و قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

و رهبرمان آیت الله خامنه ای گفتند : هرکس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند (می خواند) ، پس (بداند که) وی مزدور دشمن است.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يَجُوزُ اِلْاَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.....

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی ، برای دفاع از حقیقت جایز می باشد. (غلط)

۲- رِسَالَةُ الْاِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى اَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْاِسَاءَةِ.....

پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی کردن (دوری از هر بدی) استوار است . (صحیح)

۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ اَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.....

بر همه مردم واجب است که با یکدیگر به صورت مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح)

۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْاٰخَرِيْنَ بِسَبَبِ اللُّوْنِ.....

برخی از ملت ها به علت رنگشان بر بعضی دیگر برتری دارند . (غلط)

۵- رُبُعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.....

یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط)

اعلموا درس چهارم: الاشكال الأفعال (۲): أفعال الثلاثي المزيد:

در درس قبل با فعل های چهار باب که « سوم شخص مفرد ماضی » آن ها بیش از سه حرف است، آشنا شدید و وزن آن ها را از ریشه « ف ع ل » آموختید. در این درس با چهار باب دیگر آشنا می شوید.

وزن فعل های با حروف زائد (ثلاثی مزید) در چهار باب از ریشه فعل « ف ع ل » با ذکر مثال: (حروف زائد در سوم شخص مفرد ماضی مشخص شده اند).

مصدر	امر	مضارع	ماضی	
تَفَاعُلُ	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ	وزن باب تَفَاعَلُ
تَكَاتَبَ	تَكَاتَبْ	يَتَكَاتَبُ	تَكَاتَبَ	مثال از « ک ت ب »
تَفْعِيلُ	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ	وزن باب « تَفْعِيلُ »
تَكْبِيرُ	كَبَّرْ	يُكَبِّرُ	كَبَّرَ	مثال از « ک ب ر »
مُفَاعَلَةٌ	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ	وزن باب مُفَاعَلَةٌ
مُجَاهَدَةٌ	جَاهِدْ	يُجَاهِدُ	جَاهَدَ	مثال از « ج ه د »
إِفْعَالُ	أَفْعِلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ	وزن باب إِفْعَالُ
إِحْسَانُ	أَحْسِنْ	يُحْسِنُ	أَحْسَنَ	مثال از « ح س ن »

نکته: حرف زائد در ماضی باب « تَفْعِيلُ »، تکرار عین الفعل می باشد که با حرف اصلی دوم در ریشه ادغام می شود و تشدید (ّ) می گیرد: فَعَّلَ: فَعَّلَ: فَعَّلَ

نکته: به طور کلی فعل ها بر اساس حروف زائد در شکل سوم شخص مفرد ماضی در هشت باب، به سه دسته تقسیم می شوند:

۱-باب های « **إفعال، تفعیل، مُفاعلة** » در ماضی سوم شخص مفرد خود « **أفعل، فَعَلَ، فاعَلَ** » یک حرف زائد دارند.

۲-باب های « **إفتعال، إنفعال، تَفَعُّل، تفاعل** » در ماضی سوم شخص مفرد خود « **إفتَعَلَ، إنفَعَلَ، تَفَعَّلَ**، **تفاعَلَ** » دو حرف زائد دارد.

۳-باب « **إستفعال** »، در ماضی سوم شخص مفرد خود « **إستفَعَلَ** » سه حرف زائد دارد.

حروف زائد در سوم شخص مفرد فعل های زیر و مانند آن ها را بر اساس ریشه شان (سه حرف اصلی) می بینیم.

تَشَابُه: از ریشه « **ش ب ه** » و حروف زائد آن « **ت - ا** » می باشد. فعل های شبیه آن: **تَكَاتَبَ - تَضَارَبَ - تَنَاوَلَ - تَعَارَفَ - تَعَامَلَ - تَقَارَبَ - تَقَارَنَ**

فَرَح: از ریشه « **ف ر ح** » و حرف زائد آن « **تکرار حرف دوم که با تشدید « ه » نشان داده می شود:** فعل های شبیه آن: **كَبَّرَ - قَدَّمَ - عَلَّمَ - شَبَّهَ - كَرَّمَ - نَزَلَ - رَتَّلَ**

جَالَسَ: از ریشه « **ج ل س** » و حرف زائد آن « **ا** » می باشد. فعل های شبیه آن: **كَاتَبَ - ضَارَبَ - قَاتَلَ - عَالَجَ - لَاحَظَ - دَافَعَ - خَالَفَ - جَاهَدَ**

أَخْرَجَ: از ریشه « **خ ر ج** » و حرف زائد آن « **أ** » می باشد. فعل های شبیه آن: **أَحْسَنَ - أَكْرَمَ - أَظْهَرَ - أَشْرَكَ - أَشْرَفَ - أَقْبَلَ - أَرْجَعَ - أَنْزَلَ**

کاربرد باب ها در ترجمه فعل ها:

نکته: باب های « **مُفاعلة** » و « **تفاعل** » معمولاً برای مشارکت به کار می روند. با این تفاوت که در باب **مُفاعلة**، مشارکت یک طرفه است و در ترجمه فعل های این باب، کلمه « **با** » می آید ولی در باب **تفاعل**، مشارکت دوطرفه است و در ترجمه فعل های این باب، کلمه « **باهم**، **با یکدیگر** » می آید.

مثال کتَبَ (نوشت):

۱- **كَاتَبَ التَّلْمِيذُ صَدِيقَهُ** (دانش آموز با دوستش نامه نگاری کرد.) (**باب مُفَاعَلَةٌ**)

۲- **تَكَاتَبَ الصَّدِيقَانِ** (دو دوست با هم نامه نگاری کردند.) (**باب تَفَاعُلٌ**)

نکته: باب های « **إفعال** » و « **تفعیل** » معمولاً فعل را از « ناگذر » به « گذرا » تبدیل می کنند و در ترجمه آن ها، حرف « را » می آید.

یادآوری: فعل « ناگذر (لازم) » فعلی است که به مفعول نیاز ندارد و معنای جمله با فاعل کامل است؛ اما فعل « گذرا (متعدی) » علاوه بر فاعل به مفعول نیز نیاز دارد.

مثال: نَزَلَ (نازل شد)

۱- **أَنْزَلَ اللهُ الْقُرْآنَ**. (خداوند قرآن را نازل کرد) (**باب إفعال**)

۲- **نَزَّلَ اللهُ الْقُرْآنَ**. (خداوند قرآن را نازل کرد) (**باب تفعیل**)

نکته: برای ساختن فعل امر مخاطب از باب های « **تَفَاعُلٌ**، **تَفَعِيلٌ**، **مُفَاعَلَةٌ** » مانند باب « **تَفَعَّلٌ** » در درس قبل، نیازی به الف (۱) نیست، چون بعد از حذف حرف عله حرف مضارعه « ت » از اول فعل مضارع، اولین حرف، حرکت دارد.

مثال: **تَتَهَاجَمُ** : ← **تَهَاجَمَ** / **تَقَدَّمَ** : ← **قَدَّمَ** / **تُشَاوِرُ** : ← **شَاوَرَ**

نکته: تنها فعل امری که همزه مفتوح « ا » دارد، امر باب « **إفعال** » است. مثال: **تُدْخِلُ** : ← **أَدْخَلَ**

نکته: در باب « **تَفَاعُلٌ** » مانند باب « **تَفَعَّلٌ** » به حرکت ماضی، امر و مصدر دقت کنید تا اشتباه نشود. هم چنین گاهی ضمیر یا اسم، ... تعیین می کند که فعل در باب **تَفَاعُلٌ** (در وزن های « **تَفَاعَلَا**، **تَفَاعَلُوا**، **تَفَاعَلْنَ** »)، ماضی است یا امر.

مثال: **تَفَاعَلَ** (ماضی) / **تَفَاعَلَ** (امر) / **تَفَاعَلْ** (مصدر)

هُمَا تَعَارَفَا: آن دو با هم آشنا شدند. (ماضی) / **يَا زَمِيلَتِي، تَعَارَفَا**: ای دو هم شاگردی ام، با هم آشنا شوید.

الطُّلَابُ تَعَارَفُوا: دانش آموزان با هم آشنا شدند. (ماضی) / تَعَارَفُوا أَنْتُمْ: شما با هم آشنا شوید. (امر).

حرف زائد (ت) در ماضی باب تَفَاعُلْ را با حرف مضارعه (ت) در مضارع باب مُفَاعَلَةٌ اشتباه نگیریم:
تَفَاعَلْ، تَكَاتَبَ (ماضی باب تَفَاعُلْ) - تَفَاعِلْ، تُكَاتِبُ (مضارع باب مُفَاعَلَةٌ)

حرف زائد (ت) در ماضی باب تَفَعَّلْ را با حرف مضارعه (ت) در مضارع باب تَفَعِيلْ اشتباه نگیریم:
تَفَعَّلْ، تَعَلَّمَ (ماضی باب تَفَعَّلْ) - تَفَعَّلْ، تَعَلَّمْ (مضارع باب تَفَعِيلْ).

نکات ترجمه:

باب « **إفعال و تفعیل** » معمولاً فعل را از ناگذر به گذرا تبدیل می کنند؛ یعنی این باب ها در جمله به مفعول نیاز دارند. مثال:

نَزَلَ: پایین آمد ← نَزَلَ: پایین آورد (باب تفعیل)

وَصَلَ: رسید ← وَصَلَ: رسانید (باب تفعیل)

جَلَسَ: نشست ← أَجْلَسَ: نشانید (باب إفعال)

خَرَجَ: بیرون آمد ← أَخْرَجَ: بیرون آورد (باب إفعال)

قَرَّبَ: نزدیک شد ← قَرَّبَ: نزدیک کرد (باب تفعیل)

البته لازم به ذکر است که بعضی از فعل ها در باب إفعال، لازم (ناگذر، مفعول ناپذیر) هستند. مثال:

أَفْلَحَ (رستگار شد)، أَقْبَلَ: (روی آورد) / أَسْلَمَ: (مسلمان شد)، أَمْطَرَ (بارید)، أَسْرَعَ: (شتافت)،
أَنْصَتَ: (ساکت شد)، أَزْهَرَ: (شکفت)، أَظْلَمَ: (تاریک شد)، أَثْمَرَ: (میوه داد).

نکته: یکی از معانی دو باب « مُفَاعَلَةٌ و تَفَاعُلْ » مشارکت است. با این تفاوت که باب مُفَاعَلَةٌ برای مشارکت یک طرفه است و در ترجمه آن معمولاً از کلمه « با » استفاده می شود، ولی باب تَفَاعُلْ برای مشارکت دوطرفه است و در ترجمه آن معمولاً از کلمات « باهم، با همدیگر » استفاده می شود. مثال:

ضَرَبَ فَوَادُ هِشَامًا فَوَادُ هِشَامٍ را زد. (بدون حرف زائد و باب است)

ضارِبَ فُوَادُ هِشَامًا فُوَادُ با هشام زد و خورد کرد (باب مُفَاعَلَةٌ)

تَضَارَبَ فُوَادُ وَ هِشَامٌ فُوَادُ و هشام با همدیگر زدو خورد کردند (باب تَفَاعُلٌ)

پایانِ اِعْلَمُوا درسِ چهارم

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْاَفْعَالَ

➤ ردیف اول: ماضی- تعامل: داد و ستد کرد مضارع- يتعامل: داد و ستد می کند امر- تعامل: داد و ستد کن

➤ ردیف دوم: ماضی- علم: یاد داد مضارع- يعلم: یاد می دهد امر- علم: یاد بده

➤ ردیف سوم: ماضی- کاتب: نامه نگاری کرد مضارع- يكتب: نامه نگاری می کند امر- کاتب: نامه نگاری کن

➤ ردیف چهارم: ماضی- اجلس: نشان داد مضارع- يجلس: می نشاند امر- اجلس: بنشان

حوار

(في صالَةِ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ) گفتگوهایی در سالن بازرسی گمرکات

الرَّائِةُ زَائِرَةٌ	شُرْطِيُّ الْجَمَارِكِ پَليْسِ گمرکات
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَ لَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكَلَةُ؟ به روی چشمم برادر، اما مشکل چیست؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا. این چمدان را به اینجا بیاور.
لَا بَأْسَ. مَانَعِي نَدَارِدُ (اشکالی ندارد)	تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ. يَكُ بَازَرَسِي سَادَةٌ اسْت.
لِأَسْرَتِي برای خانواده ام	عَفْوًا؟ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ ببخشید این چمدان مال کیست؟
تَقْضَلُ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِهَا مِنْ فَضْلِكَ.

بفرما چمدانم برای بازرسی باز است	لطفاً بازش کن
فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَ الْمَعْجُونُ وَ الْمِنْشَقَّةُ وَ الْمَلَابِسُ مسواک و خمیر دندان و حوله و پوشیدنیها (البسه یا لباسها)	ماذا في الحقيبة؟ چه چیزی در چمدان است؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ کتاب نیست دفتر خاطره است	ما هذا الكتاب؟ این کتاب چیست؟
حَبُوبٌ مُهْدَتَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ. قرصهای آرام بخش است، سر درد دارم	ما هذه الحبوب؟ این قرص ها چیست ؟
وَ لَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جَدًّا. اما من به آنها خیلی احتیاج دارم	هذه غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ. این غیرمجاز است (ممنوع است)
شُكْرًا. مَتَشَكَّرَم (تشکر)	لا بأس. اشکالی ندارد.
فِي أَمَانِ اللَّهِ. در امان خدا	إِجْمَعِيهَا وَ اذْهَبِي. جمعشان کن و برو

التَّمارين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- رئيسُ البلادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ..... .
رئيس کشور ، کسی است که به مسؤولین دستور می دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می کند. (قائد : رهبر)
- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْأَخَرَ..... .
با یکدیگر آشنا شدند (همدیگر را شناختند). (تعارف : آشناسدن)
- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند. (عمیل : مزدور)
- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ..... .
یک جزء از پنج (یک پنجم) - (خُمس : یک پنجم)

التمرين الثاني: اجعل في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة.»

١- ذاك ٤ وجع في الرأس تختلف أنواعه وأسبابه.

٢- الفرشاة ٥ أكبر من البحر كثيرا.

٣- البقعة ٢ أداة لتنظيف السنان.

٤- الصداع ٣ قطعة من الأرض

٥- المحيط

التمرين الثالث: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان»

ذكريات / الشعب / سواء / قائمة / لدي / من دون

١- ... (لدى) جَوَّالٌ تَفْرُغُ بَطَارِيَّتَهُ خِلالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

تلفن همراهی دارم که باطریش در نصف روز خالی می شود.

٢- زَمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَي حَدِّ ... (سواء)

همکلاسی هایم در درس مساوی (بکسان) هستند.

٣- كَتَبْتُ ... (ذكريات) السَّفَرَةَ العِلْمِيَّةَ .

(خاطرات) گردش علمی را نوشتم .

٤- لَا تَعْبُدُوا ... (من دون) الله أحداً.

کسی را غیر از خدا نپرستید .

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ) ... آيا می دانی که:

١) الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلٍ؟

زرافه در یک روز و در سه مرحله فقط کمتر از سی دقیقه می خوابد؟

٢) مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

مقبره «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین مقبره های جهان است؟

٣) الصَّيْنُ أَوْلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

چین اولین دولتی در جهان است که پول های کاغذی را به کار گرفت؟

٤) الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟ اسب می تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟

٥) أَكْثَرُ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتَقَالِ فِي قِشْرِهِ؟ بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمُ الْأَيَاتِ وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا .نور السماء

١) ﴿ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ﴾

و از آسمان آبی فرو فرستاد پس با آن میوه هایی خارج کرد تا برای شما رزق ر روزی باشد.

(أَنْزَلَ : ماضي) / (أَخْرَجَ : ماضي)

٢) ﴿ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴾

خداوند دوستدار کسانی است که ایمان آوردند آنها را از تاریکیها به سوی نور خارج می کند.

(آمَنُوا: ماضي) / (يُخْرِجُ: مضارع)

٣) ﴿ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ ﴾

صبر کن که وعده خداوند حقیقت است (حق است) و برای گناهت طلب بخشش کن

(اصْبِرْ: امر) / (اسْتَغْفِرْ: امر)

٤) ﴿ وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ ﴾

و به حق آنرا نازل کردیم و به حق نازل شد

(أَنْزَلْنَا : ماضي) / (نَزَّلَ : ماضي)

﴿ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴾
گفت : همانا من می دانم آنچه را که شما نمی دانید

(قال : ماضي) / (أعلم : ماضي) / (لا تعلمون : مضارع منفي)

الْتَمَرِينَ السَّادِسُ: عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.

- ۱- الماضي من «يُحَاوِلُ» : حَاوَلَ - حَوَّلَ - تَحَوَّلَ
۲- المضارع من «حَدَّرَ» : يَحَدِّرُ - يُحَدِّرُ - يُحَاذِرُ
۳- المصدر من «تَقَاعَدَ» : إِقْعَادٌ - تَقْعِيدٌ - تَقَاعُدٌ
۴- الأمر من «تُرْسِلُ» : أَرْسِلْ - أَرْسِلْ - أَرْسِلْ
۵- النهي من «تُقَبِّلُونَ» : لَا تَقْبَلُوا - لَا تُقَبِّلُوا - لَا تَقَابِلُوا
۶- المضارع من «تَعَلَّمَ» : يُعَلِّمُ - يَتَعَلَّمُ - يَعْلَمُ
۷- المصدر من «اعْتَرَفَ» : اعْتِرَافٌ - تَعَارُفٌ - تَعَرَّفَ

۱- الماضي من «يُحَاوِلُ»

● تحوّل: جابجاشد، انتقال یافت ● حوّل: تغییر داد □ حاوّل: تلاش کرد

۲- المضارع من «حَدَّرَ» :

● يحاذر: پرهیز می کند ● يحدّر: دوری می کند □ يُحدّر: هشدار می دهد

۳- المصدر من «تَقَاعَدَ» :

□ تقاعد: بازنشستگی ● تقعيد: ضابطه مند کردن ● إقعاد: وادار به نشستن کردن

۴- الأمر من «تُرْسِلُ» :

□ أرسِلْ: بفرست، ارسال کن ● ارسِلْ: می فرستم، ارسال می کنم ● أرسِلْ: فرستاد، ارسال

کرد

۵- النَّهْيُ مِنَ «تُقَبَّلُونَ» :

● لاَتَقَابِلُوا: روبرو نشوید ● لاَتَقَبَّلُوا: نپذیرید ، قبول نکنید ✓ لاَتَقَبَّلُوا: نبوسید

۶- المَضَارِعُ مِنَ «تَعَلَّمَ» :

● يُعَلِّمُ: یاد می دهد ✓ يَتَعَلَّمُ: یاد می گیرد ● يَعْلَمُ: می داند

۷- المَصْدَرُ مِنَ «إِعْتَرَفَ» :

● تَعَرَّفَ: همدیگر را شناختن ● تَعَاوَفَ: با هم آشنا شدن ✓ إِعْتَرَفَ: اقرار کردن

أنوار القرآن

عَيْنُ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ فِي الْآيَاتِ:

۱- ﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾
الفرقان: ۶۳

وبندگان (خدای) بخشاینده کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام بر می دارند و هرگاه نادان ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴
بی گمان خوبی ها، بدی ها را از میان می برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾
ستایش از آن خدایی است که ما را به این (نعمت ها) رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی مان نکرده بود، (به اینها) راه نمی یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ القصص: ۲۴
پروردگرم، من بی گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرعد: ۲
آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرام می گردد.

۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ القصص: ۷۷
نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است.